

# در اعتراض به کشته شدن مهسا امینی

” گشت ارشاد ” یا ” کِشتِ عِنَاد و اِضلال ”

مسعود محمد حسینی

بازرس سازمان معلمان ایران

ارشاد(رهنمون ساختن) واژه ای عربی و در تضاد با اِضلال(گمراه گردانیدن) است. هر از گاهی در گوشه و کنار سرزمین صاحب تمدن و عزیزمان ایران، خبری رسانه‌ای می‌شود که دل هر بیننده و شنونده ای را به رنج و آرمی دارد و جریحه دار می‌سازد.

این که محترم شمردن و عامل بودن به حفظ ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی و اجتماعی توسط شهروندان، آسایش و آرامش و امنیت خود، خانواده و افراد جامعه را در پی خواهد داشت، تردیدی نیست.

اما باید بدانیم؛ آن چه که در مقوله ی فرهنگ ” اُس ” و ” اساس ” است ، بهره گیری از شیوه هایی است که از جنس خود باشد. یعنی اقناع افکار عمومی از یک پدیده ی فرهنگی از جمله حجاب و عفاف بانوان، با متدی که با ظرافت و لطافت و با عناصر فرهنگی همراه باشد.

اگر متریا ل فکری مدیران ارشادی از عناصر نظامی‌گری و دستوری و به تعبیری ” بگير و ببند ” و ” تهدید افراد ” و ” تحدید افکار ” باشد، نه تنها ما را به اهداف رهنمون نخواهد ساخت، بلکه همان آزمون و خطای ” چشم کور کردن ” با هدف ” درست کردن اَبرو ” خواهد بود.

حقیر به عنوان مدرس درس جامعه شناسی و در قامت یک کنشگر مدنی و اجتماعی، به متولیان فرهنگی توصیه می‌کنم و پیشنهاد می‌دهم ، به جای این رفتارهای ناشایست و به دور از فهم و خِرَد ، به دنبال ریشه یابی معضلات اجتماعی باشند و فرمان ماشین گشت ارشاد را به سمت نهادها و موسسات فرهنگی، که قارچ گونه در این سیستم سربرآورده و درصد قابل توجهی از بودجه سالانه را در فصول اعتباری می‌بلعند بچرخانند و به جای ارعاب و به خطر انداختن ” روح و روان ” و ” جسم و جان ” بانوان، از متولیان امور فرهنگی توضیح بخواهند که چرا پس از گذشت ۴۳ سال از نظامی که - به وعده ی معمارش- بر تارکِ آن ” رساندن شهروندان به مقام انسانیت ! ” نقش بسته است ، به رغم حمایت تمام قدر مادی و معنوی - تمامی ارکان حاکمیت و دولت از این سازمان ها ، در امور فرهنگی و اخلاقی به قهقرا رفته ایم .

نیست غیر از عشق عذری در بیابان وجود  
هرکجا گمگشته ای بینی، به عشق ارشاد کن  
، ، ، ، صائب ، ، ، ،

#اختصاصی سخن معلم